



الزام فقهی و حقوقی حجاب؛ مهریزی

## الزام فقهی و حقوقی حجاب

پوشش و حجاب

بهمن ۱۳، ۱۳۹۴

حجت الاسلام و المسلمین مهدی مهریزی؛ محقق و استادیار دانشکده علوم حدیث، در میان مقالات قابل توجهی در حوزه زن و خانواده دارد که برخی از آنها بیانگر نگاه متفاوت و قابل تأمل پژوهش‌های فقهی در مسائل زنان، حجاب، شخصیت و حقوق زن در اسلام، زن و فرهنگ دینی، فی احکام المرأه»، استقلال اقتصادی زن، گستره آزادی زنان از نگاه امام خمینی، تمکین و نشوز علیه السلام، رویکردهای مذهبی به زن در تاریخ معاصر ایران، رساله‌های فقهی بلوغ دختران، ...

آنچه در پی می‌آید، گزارش تفصیلی نشست علمی «بررسی فقهی الزام قانون و قضائی بانوان به حجاب» است که با ارجاع چندین پیش در دفتر تبلیغات اسلامی خراسان رضوی برگزار شد.

## مقدمه اول: شرایط لازم برای یافتن رویکرد صحیح

برای یافتن رویکردی صحیح در حوزه فقه و حقوق زن، بایستی به شروط لازم آن توجه داشته باشیم:

### اول: ضرورت نگاه فراگیر به منابع

نگاه فراگیر به منابع داشته باشیم، یعنی آنچه می‌تواند برای مطالعه مسائل زنان مستند باشد، چه منابع اولیه و چه منقسم بحث است که مورد توجه بوده است، اما آنچه کمتر مورد توجه قرار گرفته تاریخ و سیره ائمه است، یعنی تاریخ زندگانی ائمه باید مورد توجه جدی در حوزه مطالعات زنان قرار بگیرد. که این قسمت از مطالعات در بسیاری از موارد راه

ما اگر در مطالعاتمان به بعضی از اقوالی که نقل شده نگاه نکنیم، مطالعاتمان ناقص است، در حوزه مطالعه فقه این به سراغ کتاب‌هایی می‌روند که محدثین با رویکرد جمع‌آوری اقوالی که خیلی کم منعکس شده است نوشته‌اند. اما در کتاب ندارد، اگر دنبال آن‌ها می‌رفتیم سند هم برای آن‌ها درست می‌شد.

حج، ترسیم کنندة جامعة آرماتانی اسلام

در کتب تاریخ و سیره عنوانی داریم به نام نهادها؛ در دین نهاد زیاد داریم، حج، یکی از این نهادهای اسلام است. حج ترس اگر در مباحث حج در حوزه مطالعات زنان ببینیم یک بخشی از دغدغه‌ها و ابهام ما را به جلو می‌برد مثلاً در مسجدالحر مذاهب الزامی نیست هیچ مذهب فقهی نگفته که اگر زن جلوتر یا کنار مرد باشد نمازش باطل است.

اگر در حال احرام واجب است صورت زن باز باشد این‌ها نمی‌تواند مستند مسئله ما در مطالعه باشد. نگاه فراگیر به منابع است مثلاً در روایات در بحث غریزه جنسی زن و مرد، آمده که غریزه جنسی زن‌ها از مردها بیشتر است؛ لذا خدا حیا ب

در فقه مسائلی وجود دارد که اگر خواسته باشیم در رابطه غریزه جنسی زن و مرد مطالعه کنیم نمی‌توانیم آن‌ها را نادید و مرد گفته‌اند: مرد هر وقت خواسته‌ای داشته باشد زن در هر شرایطی، ملزم به اجابت است، اما زن هرچند وقت یک‌بار ندارد و الا مرد هم ملزم به اجابت می‌شد.

در کتاب حدود فقه، بحث رجم و احسان، مخصن چه زن و مرد به کسی می‌گویند که صبح و شام به حلال دسترسی دا به صورت منابع اولیه، منابع ثانویه که نهادها باشد و منابع غیرمستقیم که در غیر این‌هاست را باید ببینیم و بعد با جمع اظهار نظرهای فقهی ناسازگار است و در آن تفاوت دیده می‌شود.

### دوم: قرآن و اولویت مسئله زن

در تمامی مسائل و در مسائل زنان به‌طور خاص، محوریت و اولویت قائل شدن برای قرآن است. در این زمینه از اینجانب که در آن، ۳۴۰ آیه که مستقیم و غیرمستقیم، به زن مربوط است جمع‌آوری نموده‌ام؛ و تنظیمی بر اساس نزول آورده‌ام، چگونه است. موضوعاتی که مطرح شده است به ما مدل می‌دهد که در حوزه زنان از کجا شروع کنیم.

**اولین آیاتی که در سال‌های اول بعثت نازل شده است نگاه جاهلی به زن را تقیح می‌کند. که اگر کسی خداوند به او دختر می‌داد از خجالت چهره‌اش سیاه می‌شد. یا بحث دختر گُشی به همین صورت است.**

در سال‌های سوم بعثت حضرت مریم (علیها السلام) را مطرح می‌کند. آیاتی که در قرآن در مورد حضرت مریم (علیها السلام) است در نوع نگاه و تلقی که دین از زن ارائه داده، بسیار جدی است. آیات مربوط به

زن، و نوع نگاه به زن در سوره آل عمران و سوره مریم قابل ملاحظه است. در سال پنجم هجرت قصه بلقیس را مطرح می‌کند زنی که رهبری سیاسی دارد و در سال‌های بعد در مکه دختران شعیب را مطرح می‌کند در واقع ابتدا ذهنیت‌های منفی را از بین می‌برد و بعد الگوهای مثبت را در عرصه‌های مختلف فرهنگی، اجتهاد، سال‌های بعد آیاتی دیگر که مربوط به حجاب است و مسائل دیگر را مطرح کرده است.

### سوم: نگاه فراگیر به مسائل و مرتبطات

اگر می‌خواهیم در مورد حجاب مطالعه بکنیم و به نتیجه برسیم ابتدا باید بحث کنیزان در فقه را برای خودمان حل کنیم. کنیزان چه مسلمان، چه غیرمسلمان، چه جوان و چه مسن، ملزم به رعایت حجاب نبودند.

### چهارم: توجه به واقعیت‌ها

ما نمی‌توانیم زندگی و تحولات جامعه انسانی را نادیده بگیریم. واقعیت‌های گذشته یک اصل موجود است، واقعیت‌های بین این‌ها اتفاق افتاده است یک واقعیت است و قابل نادیده گرفتن نمی‌باشد. مثال: حضرت رسول (صلی‌الله‌علیه‌وآل‌علیه‌السلام) تقسیم کار کردند اولاً فضای تقسیم کار نبود بلکه حضرت زهرا (علیها‌السلام) از زیادی کار به حضرت رتعدادی فرزند، و کارهای زیاد خانه بیرون از منزل هم برود کار کند دیگر نمی‌رسد و نیاز به کلفت دارد. بنابراین این سؤال رسول این بوده است و در این فضا تقسیم کار شده است که کار زن کمتر بشود.

علاوه بر این، واقعیت‌های زندگی گذشته و امروز را نمی‌توان نادیده گرفت؛ درگذشته کارهای زن در خانه تعقل و اجتهاد به خرج داد، چرا که شکل زندگی‌ای که درگذشته بوده با امروز فرق کرده است.

### پنجم: ضرورت تصحیح تلقی از «زن»

در فقه و در بخشی از علوم اسلامی زن مساوی با نگاه جنسی و فتنه است. این نگاه باید تصحیح بشود؛ زن انسان است و خرد برخوردار است، کمالات زن مثل کمالات مرد است. این نگاه که زن هر جا پیدا شود جامعه تباه و فاسد می‌شود؛ یعنی مردها اراده ندارند که رابطه اجتماعی داشته باشند که خودشان را کنترل کنند و زنان را مساوی و مترادف فساد و تباه کنند.

### ششم: توجه به مشکلات احتمالی میان احادیث با روایات

در تعامل احادیث با روایات مشکلات احتمالی نباید نادیده گرفته شود، از جعل وضع گرفته تا تصحیف و جعل به معنا، و

مثالی از نقل به معنا: خطبه ۸۰ نهج‌البلاغه، جمله‌ای دارد به نام نواقص الایمان که در نسخ خطی نواقص الدین آمده است. دین در لسان روایات به معنای تکلیف و دستور است و ایمان حاصل دین‌داری است. فرق است بین اینکه بگوییم فردی ناقص الدین باشد فهم و اقتناع مخاطب خیلی آسان‌تر از روایت ناقص الایمان است. یعنی خدا در شرایطی آسان گرفته بگوییم خدا حاصل دین‌داری که ایمان است را کم کرده است. معنی‌اش این است که زنی که افطار و سحری آماده مرد رمضان باید دوباره روزه بگیرد حال ایمان این زن، بگوییم کمتر از ایمان مردی است که در ماه رمضان روزه گرفته است!

### هفتم: تفکیک آداب و فرهنگ‌های غیردینی از دین

کسی حق ندارد کسی دیگر را مورد مذمت قرار بدهد به خاطر نوع پوششی که انتخاب کرده است. در مقابل، کسی که

بگویند این مدل، مدل دین است. این دو فرق با یکدیگر فرق می‌کند.

## مقدمه دوم: مسائل جدی در بحث حجاب

### ۱- آیا حجاب یک امر دینی است؟

آیا حجاب یک امر دینی است یا یک امر سیاسی اجتماعی؟ که معمولاً در بین اهل سنت، نظر دوم دیده می‌شود. از نو کتاب «حقیقه الحجاب و حجیه السنه» دو بحث را در کنار هم آورده است. یکی حقیقت حجاب و دیگری حجیت مسئله حجاب است ناظر به یک مسئله اجتماعی سیاسی است و بعد در حجیت روایات اشکال می‌کند تا خود را از بحث

ما باید در این بحث اثبات کنیم که حجاب یک امر دینی است یعنی در واقع پایگاه دینی دارد نه یک مسئله‌ای که اقتضای قرآن دو نوع تعبیر در مورد حجاب و پوشش داریم: یکی سوره نور «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَعْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَ يَحْفَظُوا أَنْسَانِيَّتَهُمْ»

در آیات سوره احزاب «ذَلِكَ أَذَىٰ أَنْ يُعْرِفَنَ فَلَا يُؤَدِّينَ» این نوع دیگر تعلیل است که تفاوت این دو تعلیل را به دست

### ۲- جایگاه ارزشی حجاب در آموزه‌های دینی

آموزه‌های دینی از نظر ارزشی یکسان نیستند، گاهی وقت‌ها یکسان تلقی می‌کنیم که این یکسان تلقی کردن خطاست. نسبت به صغیره؛ گاهی وقت‌ها به وارونه شدن منتهی می‌شود.

حجاب که از ارزش‌های دینی است جایگاهش در دین کجاست؟ اینکه بگوییم نشان جامعه اسلامی حجاب زن‌هاست که بگوییم جامعه اسلامی جامعه‌ای است که در آن دروغ، خیانت در روابط اجتماعی، بی‌حجاب و... نیست و این‌ها نشان اهمیت و تأکیدی که قرآن و پیشوایان دینی نسبت به این ارزش‌ها بیان کرده‌اند، به تعیین رده و جایگاه حجاب در آموزه راحت اعلام کنیم ولی نتیجه لازم است و ما به آن نیاز داریم) می‌تواند کمک کند. نظیر اینکه گاهی گفته می‌شود شخص است، اما گاهی می‌گوییم حجاب هم یکی از واجبات است مثل راست‌گویی و خیلی از مسائل دیگر که واجب است. در مسلمان؛ لذا اگر زن مسلمان حجابش کامل باشد ولی نسبت به انجام بعضی از مسائل تعهد نداشته باشد یا

## این نشان زن مسلمان است.

### ۳- بحث ارتباط و اختلاط

در آموزه‌های دینی یک ارتباط داریم و یک اختلاط.

آیا هر نوع ارتباط و رفت‌وآمدی حتی در شرایط طبیعی و عادی مذموم است؟ یعنی اصل اولی این است که زن‌ها و مردان رفتاری نداشته باشند و این پسندیده و ممدوح است یا نه؟ اصل اولی و آن چیزی که مذموم (حرام یا مکروه) است، اختلاط است. نوع التذاذ جنسی ختم می‌شود این اختلاط است، اما ارتباط‌هایی که فراتر از این باشد ارتباط می‌نامیم؟ آیا در آموزه‌های دینی و در جاهایی مکروه است، ارتباطی که فراتر از اختلاط است هم مذموم و حرام است؟

### ۴- حدود پوشش زن و مرد

زمانی که می‌گوییم حجاب جزء ضروریات است؛ اصل، حجاب است که مورد توافق همه فقها می‌باشد، اما در حدود حجاب

### ۵- حق مداخله حکومت در حجاب

این حجابی که گفتیم دینی است و حدود آن را مشخص نمودیم جزء تکالیف شخصی دینی است، یا جزء مسئله اجتماعی

اینکه می‌گوییم حجاب مسئله شخصی است نقطه مقابل آن حکومت است نه مقابلش دینی بودن که بگوییم مسئله شخصی آن حجابی که دینی است آیا جزء مسائل شخصی می‌باشد (مثل محاسن گذاشتن برای مردها در مقابل تراشیدن ریش)؟ ، نداد عقابش باخداست یا نه، فراتر از این است که یک امری است که حکومت دینی می‌تواند در آن مداخله کند، لذا آری خیر؟

این بحث سابقه طرح در مباحث فقهی ما ندارد، یا حجاب باب و عنوان مستقلی ندارد (بلکه در فقه به صورت فرعی بحث خواستگاری رفتن، بحث نظر و نگاه و... مطرح شده است) و ازجمله مسائلی است که از اوایل انقلاب مطرح شده و مسائل اجتماعی است که حکومت حق مداخله دارد و گروهی قائل به این هستند که یک امر دینی شخصی است لذا ادله‌ای ذکر کرده‌اند.

### دلایل موافقان مداخله حکومت در بحث حجاب

کسانی که موافق مداخله حکومت در بحث حجاب هستند و قانون و جریمه و کیفر برایش در نظر می‌گیرند به شش دلیل

#### ۱- استناد به ادله تعزیری:

در فقه قاعده‌ای داریم که برای هر مُحَرَم و معصیتی اگر رعایت نشود حاکم می‌تواند تعزیر کند.

#### ۲- ادله نهی از منکر:

این ادله عمومیت دارد. فراوان در آیات و روایات ما، اهمیت امر به معروف و نهی از منکر تأکید شده است، نظیر عو جمعه‌ای که امر به معروف و نهی از منکر را ترک بکند، اثرات فردی یا اجتماعی ترک امر به معروف و نهی از منکر مثل مس در زیارت‌نامه ائمه می‌بینیم که آمده «امرت بالمعروف و نهیت عن المنکر» که این نشان دهنده جایگاه این تکلیف است که

#### ۳- اختیارات ولی فقیه و حاکم اسلامی:

حاکم اسلامی و ولی فقیه اختیاراتش عام است چون مجری احکام دین است و واجبات و محرمات را ولی فقیه متعهد است

#### ۴- از باب ولایت بر تأدیب:

همانگونه که پدر و مادر می‌توانند فرزندشان را بر نماز خواندن تأدیب کنند. در این بحث هم، از باب ولایت بر تأدیب ه

#### ۵- اطلاقات ادله احکام:

بنابر اطلاقات ادله احکام، حجاب باید رعایت بشود، بی‌حجابی مذموم است، خطاب این روایات به مسلمانان است و مسا

#### ۶- سیره عقلاء:

که اگر به سیره عقلاء مراجعه بکنیم بی‌حجابی گاهی منجر به اختلال نظام می‌شود و در نگاه عقلاء اختلال نظام یک امر

### دلایل مخالفان مداخله حکومت در بحث حجاب

در مقابل کسانی که این نظر را قبول ندارند در این ادله مناقشه می‌کنند؛ و بر مدعای خود، که حجاب امری دینی و از اه به دو گونه تحلیل استناد می‌کنند:

#### ۱- تحلیل دینی:

با نگاهی به دوره اجتماعی و تاریخی پیامبر اکرم و حکومت ائمه معصومین علیهم السلام، نمونه‌هایی که اعمال برخورد با

#### ۲- تحلیل اجتماعی:

اجبار، اثر معکوس دارد؛ با کار فرهنگی موافق هستند ولی الزام به حجاب را قبول ندارند. مثالی ذکر می‌کنند که در ب بیشتر است اما در کشورهای که اجبار به حجاب می‌کنند خلاف این روند حرکت می‌کنند.

قضاوت بین این دو گروه کار آسانی نیست نه نظر مشهور که مستند به ادله است قابل دفاع است؛ چرا که آن ادله، ادله نتیجه گرفتن، کار دشواری است، چه ادله تعزیر که روایاتی دارد که خداوند برای هر چیزی حدی گذاشته است و برای هر فقه زیاد بحث کرده‌اند. حال مسئله‌ای که در فقه این همه بحث دارد چگونه به‌عنوان مبنا قرار بدهیم برای یک امر مش بکنیم.؟

از طرفی نفی این مسئله هم خیلی سخت است اینکه بگوییم حکومت حق نهی (نهی به معنی اجبار) را ندارد؛ گفتن این

## حکومت اسلامی باید همه شرایط و بسترها را جهت تحقق احکام فراهم کند

اینکه جزء وظایف حکومت اسلامی است که همه شرایط و بسترها را جهت تحقق احکام فراهم بکند، شکی در آن نیست است، می‌فرماید: ما همه پیامبران را فرستادیم «لیقوم الناس بالقسط» آنها می‌خواهند شرایط را فراهم کنند. نمی‌گوید «ل قسط نمی‌خواهند بکنند. می‌خواهند کاری کنند که مردم قیام به قسط کنند یعنی از درون ساخته بشوند و الا با جبر، ه خواهد افتاد. این آیه باید مورد تأمل قرار بگیرد که وظیفه اولی را خداوند برای پیامبران، بسترسازی برای رشد انسان‌ها قرا

تردید نیست که عفت به معنای عامش یکی از خصلت‌هایی است که مظاهری دارد در زن و مرد که مخ طبیعتاً یکی از کمالات انسانی عفت است؛ بنابراین حکومت باید کاری بکند که جامعه انسانی عقیف باشد اگر بگوییم حجاب یک تکلیف شخصی است قاعدتاً از دایره اختیارات حکومت خارج می‌شود؛ چون حکومت حدود ا- مرحوم امام اشاره شد در کتاب مکاسب محرمه «إنا قد أشرنا سابقاً إلى أنما ثبت للنبي (صلى الله عليه وآله وسلم) و الإمام (عل) و أما إذا ثبت لهم (عليهم السلام) ولاية من غير هذه الناحية فلا. فلو قلنا: بأن المعصوم (عليه السلام) له الولاية على طلا تقتضه المصلحة العامة، لم يثبت ذلك للفقهاء.»

### ولی فقیه می‌تواند زن کسی را طلاق بدهد!

هر چه برای پیغمبر و امام به‌عنوان والی و سلطنت پیامبر و امام است برای فقیه ثابت است اما اگر پیامبر و امام ولایتی ثابت نمی‌ماند، مثالی که در این بحث مرحوم امام ذکر کرده‌اند که محل بحث هم بوده این است که اگر گفتیم، امام چه کسی را بفروشد که هیچ جنبه اجتماعی ندارد این ادله نمی‌گوید که این اختیارات برای فقیه و حاکم اسلامی نیز ثابت است، اینجا نمی‌شود. اگر مسئله شخصی و فردی جنبه اجتماعی پیدا بکند مثل اینکه مثلاً محرز شده است که همسر کسی جاسر صورت ادله‌ای که برای امام معصوم ثابت هست برای حاکم و فقیه هم ثابت است. اما اگر امور شخصی به مسائل اجته امام معصوم ثابت است برای ولی فقیه و حاکم اسلامی، در عصر غیبت ثابت نیست. البته برخی از فقها مکتوب دارند آیت‌الله مشکینی در مقالاتی که سال‌های اول انقلاب در مجله پاسدار داشته به صراحت این تعبیر را بیان کرده که ولی ف را بفروشد.

فتوای مرحوم امام که در واقع نظریه پرداز بحث ولایت فقیه است این چنین است که چنین تفکیک و تفصی بنابراین اگر حجاب کاملاً جنبه شخصی داشته باشد جزء اختیارات حکومت نیست و اما اگر جنبه شخصی ندارد جزء اختی که امر شخصی چیست؟ آیا حجاب چیزی است که فقط به خود فرد مربوط می‌شود یا نه حجاب مسائل فراتر از خود ایجاد بکند و زیان‌هایی که ممکن است ایجاد بکند، که محل بحث است که آیا آن زیان‌ها اولاً و بالذات به خود حجاب م یعنی اگر یک جامعه جامعه سالم باشد فی حد نفسه بی‌حجابی منشأ زیان و ضرر است؟ این‌ها قابل تأمل است.

بحث این است که آیا اولاً و بالذات حجاب آثار اجتماعی دارد یا نه؟ اگر آثار اجتماعی داشته باشد قاعدتاً تحت ادله اخ نه.

در مورد اینکه آیا اصل اولی در مورد الزام مردم به انجام واجبات و ترک محرمات داریم؟ اثبات این مسئله سخت است برگردیم. شاید تعبیرهایی مثل «لیقوموا الناس بالقسط» چیزی غیر از آن را نشان بدهد که فهمیده نمی‌شود.

### عرصه‌های امر به معروف و نهی از منکر

در مورد امر به معروف و نهی از منکر سه عرصه برایش ثابت است: ۱- حکومت نسبت به مردم؛ ۲- مردم نسبت به ح به معروف و نهی از منکر استفاده می‌شود که در هر سه گروه است؟ در مسائل فقهی چنین تفکیکی صورت نگرفته است



تعبیر امر و نهی، در اصول خوانده‌ایم که امر طلب العالی من السافل، این نیست که بگوییم خواهش می‌کنم این کار را عنوان امر و نهی خاص است در امر و نهی طلب العالی من السافل آمده است. بنابراین طلب عالی از سافل باید درست که یک طرف ولایت برطرف دیگر داشته باشد و این در دو جا تصویر می‌شود: یکی حکومت نسبت به مردم؛ چرا که حکومت ولایت دارد؛ و دیگری مردم نسبت به حکومت؛ این چنین است البته با حفظ اینکه حکومت مشروعیت خودش را از مردم

اما در مورد افرادی که هم سطح و هم تراز هستند؛ ادله امر به معروف و نهی از منکر را بخواهیم تعمیم بدهیم اولاً و ضمناً این را ثابت بکنیم تا بتوانیم یک چنین اصل اولی الزام به واجبات و ترک محرمات درست بکنیم.

نمونه‌هایی که در بحث امر به معروف و نهی از منکر علاوه بر قرآن و در تاریخ به کار رفته از این قبیل است: زمانی که قرار می‌گیرد می‌فرماید: «أريد أن أمر بالمعروف و أنهي عن المنكر» وقتی خدمت حضرت علی (علیه السلام)، زنی از شوهرش آنجا مرد را تهدید می‌کند، می‌فرماید: «أنهاك عن المنكر» این‌ها را داریم؛ اما در موارد هم عرض که تطبیق داده شده باشد؛

پس اصل اولی در الزام به واجبات و ترک محرمات دشوار است که بتوانیم احراز بکنیم، منتهی اصل ثانوی در شرایط - به صورت عام فهمیده نمی‌شود، یعنی اصل ثانوی که مقتضی الزام قانونی به حجاب است، تنها در جاهایی کاملاً روشن است مقرراتی دارد که جزء شرایطش می‌گذارد. در جاهایی که احساس بشود شرایط اجتماعی به گونه‌ای نیست که مسیر زندگی تردیدی نیست، اما به عنوان اصل ثانوی در همین حد بیش از این قابل فهم نیست.